

بایدهای سیاست خارجی ایران در دوره کنونی؛ از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

طاهره پورغلامی^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و چهارم، شماره ۱، پیاپی ۹۳، بهار ۱۴۰۲؛ صفحات ۲۸-۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

چکیده

سیاست خارجی هر کشوری برگرفته از عوامل متعددی است. ده‌ها و حتی صدها عامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و تکنیکی در تعیین حدود آن دخالت مجدد یا متقابل دارند. اما این عوامل متعدد زیرچتر یک آید مرکزی سامان می‌یابند. راهبرداصلی در مقوله‌های مختلف از درون آن آید مرکزی انتظام می‌یابد. در جمهوری اسلامی ایران به واسطه حاکم بودن اسلام و برقراری نظام ولایت فقیه، راهبرداصلی برگرفته از آید مرکزی اسلامی از منظر ولی فقیه عصر حاضر است. در این پژوهش سعی می‌شود با بهره‌گیری از روش تحلیل پارادایمی به این سؤال پاسخ دهیم: «در دوره کنونی، بایدهای سیاست خارجی ایران در مقوله‌های گوناگون از منظر مقام معظم رهبری چگونه است؟» بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری که مسئول اصلی دولت اسلامی هستند، با بهره‌گیری از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی بایدهایی را در عرصه‌های مختلف برای دولت سیزدهم تعیین کرده‌اند که این بایدها حول محور اصل مصلحت، می‌چرخد.

واژگان کلیدی

سیاست خارجی، مقام معظم رهبری، بایدها، راهبرد، پارادایم

ایدئولوژی عاملی مهم در سیاست خارجی هر کشوری محسوب می شود. کشورهای سوسیالیستی، سیاست خارجی خود را بر مبنای این ایده مرکزی تدوین می کنند و کشورهای لیبرال نیز بر همین مبانی، مناسبات خود را با کشورهای دیگر سامان می دهند. طبیعی است که کشورهای اسلامی هم با وجود تفاوت در تاکتیک، راهبرد سیاست خارجی خود را بر ایند اسلامی تنظیم می کنند. در واقع، نوع رفتار خارجی دولت ها، خود نمودی از ایند حاکم بر آن جامعه است؛ هر چند در سیاست اعلامی خود، چیز دیگری را مطرح کنند. نظام های مختلف سیاسی بر اساس منابع مشروعیت خود و معتقدات سیاسی مربوط، مسئولیت های مشخص و تعریف شده ای در خارج از مرزها دارند (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۳). اگر بین اهداف ملی و مسئولیت های فراملی تزاچی به وجود آید، نظام های غیر دینی اولویت را به اهداف ملی می دهند. اما دولت اسلامی که افزون بر تعهدات ملی، خود را در برابر اهداف بلند مدت مکتب اسلامی نیز متعهد می داند، برای تعقیب منافع ملی خود همواره به رسالت الهی خویش نیز می اندیشد و یکی از تمایزات آن با دولت های ملی همین مسئولیت های فراملی است. دولت اسلامی ایران و نگاه رهبری نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای تحلیل علمی بایدهای رهبری در سیاست خارجی، نیاز به روش علمی مناسبی است. از آن رو که پشت بایدهای رهبری مبانی فقهی مستحکمی وجود دارد، در این پژوهش بر اساس روش تحلیل پارادایمی به بررسی و تحلیل بایدهای رهبری خواهیم پرداخت.

مقام معظم رهبری در آخرین توصیه های خود به دستگاه سیاست خارجی، به دیپلماسی عزت مندانه در مقابل دیپلماسی ملتسمانه بر مبنای سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» تاکید داشتند. ایشان همچنین بر تعهدات برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان، حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب در همه زمینه ها، حفظ استقلال همه جانبه، دفاع از حقوق همه مسلمانان،



عدم تعهد به قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح آمیز متقابل با دولت‌های غیر محارِب، خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌ها، حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران و مقاومت در راه رسیدن به اصول بدون هیچ افراط‌گری همواره تأکید کرده‌اند. این باید هاریشه در اصولی دارد که در این پژوهش تحلیل می‌شود. بر این اساس، ابتدا توضیحی در مورد روش پارادایمی خواهیم داد، سپس اصول سیاست خارجی دولت اسلامی را تحلیل خواهیم کرد و بعد بر اساس این اصول، باید های رهبری را در حوزه سیاست خارجی در دوره کنونی بررسی می‌کنیم و در نهایت، درس‌هایی برای سیاست خارجی در آینده ارائه خواهیم کرد.

چارچوب روشی: تحلیل پارادایمی

چارچوب روشی این نوشتار برای بررسی و تحلیل باید های سیاست خارجی ایران از منظر مقام معظم رهبری، تحلیل پارادایمی است. پارادایم در واقع، الگوی سنجش و مشتمل بر مفروضات بنیادین است که راهنمای تفحص محسوب می‌شود (قرلسفلی، ۱۳۹۰: ۳۷). به تعبیر بهتر، پارادایم مجموعه قضایایی است که به عنوان مبانی بنیادین در نزد یک اندیشمند، چگونگی فهم، تبیین و تفسیر جهان در اندیشه وی را توضیح می‌دهد (خیری، ۱۳۸۹: ۸). نگاه پارادایمی به اندیشه سیاسی به این معناست که در مقاطع مختلف سر اندیشه سیاسی، الگوهای متفاوت و گوناگونی برای فهم و درک شکل گرفته‌اند. این الگوها مفروضات بنیادینی را شامل می‌شوند که پاسخ‌های اندیشمند در ذیل آنها معنای یابند (میر احمدی و قهرمان، ۱۳۹۳: ۳). در واقع، این مبانی بنیادین، «شرط تحقق» اندیشه سیاسی هستند و عمده‌ترین دلیل تفاوت نظام‌ها، مکاتب و افراد در نگاه به سیاست را باید در همین دلالت بنیادین خاص آنها جست‌وجو کرد (منوچهری، ۱۳۹۴: ۵). بایک استقرای ناقص می‌توان این مبانی بنیادین را این‌گونه بر شمرد: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، دولت‌شناسی، ارزش‌شناسی و فرجام‌شناسی. البته این فهرست صرفاً یک نمونه است که با استدلال می‌توان از آن کاست یا به آن

افزود. علاوه بر این، چنان که در این مقاله نیز نشان داده خواهد شد، اهمیت رویکرد پارادایمی در این است که رابطه نظریات را بازمینه عینی، شرایط ذهنی زمانه و همچنین باراه حل‌ها به خوبی نشان می‌دهد. در واقع، همان طور که مارش و فورلونگ در ویراست جدید کتاب «روش و نظریه در علوم سیاسی» مطرح می‌کنند، هراندیشمندان در ارائه هر نظری از یک سری مبانی معرفت‌شناسی خاص بهره می‌برد؛ هرچند خود به طور آشکار به آنها اشاره نکرده باشد. این مفروضات بنیادین، ولو ناخودآگاه در ارائه نظریات آنها تأثیری گذارد. به تعبیر مارش، این مبانی بنیادین برای اندیشمندان، مانند پوست هستند نه پوستین، همان طور که پوست به هیچ وجه از هیچ انسانی جداشدنی نیست، مبانی بنیادین نیز همین گونه است و هر تفکری لاجرم چه آگاهانه چه ناآگاهانه متنبه به مبانی بنیادین و متافیزیکی خاص خود است (Furlong, Marsh, ۲۰۰۲: ۱۸). موضع هستی‌شناختی، نگرش پژوهشگر را در باره سرشت جهان بازتاب می‌دهد و موضع معرفت‌شناختی نگرش وی را درباره آنچه مایه، توانم از این جهان بدانم و چگونه می‌توانم بدانم، بازمی‌تابد (Furlong, Marsh, ۲۰۰۲: ۲۰). از نظر آنها دغدغه‌های معرفت‌شناختی، و انسان‌شناسی را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت (Furlong, Marsh, ۲۰۰۲: ۲۸). به عبارت دیگر، از نگاه تحلیل پارادایمی، نگاه سیاسی یک سیاست‌مدار نتیجه منطقی مبانی بنیادین اوست. بنابراین، آنچه این نوشتار را متمایز از سایر پژوهش‌ها در باب فهم بایدهای سیاست خارجی مقام معظم رهبری می‌کند، بهره‌گیری از الگوی پارادایمی در توضیح توصیه‌های هنجاری رهبر انقلاب است. بر این اساس و مبتنی بر روش تحلیل محتوا، با مراجعه مستقیم به «متن سخنان رهبری» در سایت «خامنه‌ای دات‌ای‌آر» سعی می‌کنیم این بایدها را تشریح کنیم و ارتباط این بایدها را با مبانی و اصول اسلامی مورد تحلیل قرار دهیم. برای تشریح تحلیل پارادایمی از تمثیل درخت استفاده می‌کنند. در زیر برای توضیح بهایی این روش تحلیلی از طرح شماتیکی آن استفاده می‌کنیم.



مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دولت جمهوری اسلامی به عنوان دولتی اسلامی نگاه الهیاتی به سیاست خارجی دارد. این نگاه ریشه در مباحث «هستی‌شناسی»، «معرفت‌شناسی» و «انسان‌شناسی» خاص تفکر دینی دارد. در تفکر دینی، «هستی» دو بعدی و مخلوق خالق است که بر همه امور آن اشراف دارد و از کلان‌ترین تا جزئی‌ترین قوانین آن را از قبل تدوین کرده است. لذا عالم زمینی باید در پیوند با عالم آسمانی باشد. در همین چارچوب، «معرفت» به عالم درگرمعرفت به خالق این هستی است. بنابر این، معرفتی صحیح است که در اتصال به معرفت خالق این جهان باشد. بدیهی است در این چارچوب معرفت مبتنی بر وحی مقدس که از زبان پیام‌آوران صالح به انسان‌ها رسیده است، بالاترین معرفت است و هر کس خود را به فهم بهتر و بیشتر پیام الهی نزدیک کند، دارای معرفت صحیحی خواهد بود. «انسان‌شناسی» نیز در همین مقوله جای می‌گیرد و انسان‌هایی که خود را به خدا به عنوان خالق هستی نزدیک کرده‌اند، در مرتبه بالاتری از سایر انسان‌ها قرار می‌گیرند و صاحب حق حکومت کردن و قانون‌گذاری می‌شوند.

بر اساس این مبانی، اصول سیاست خارجی دولت اسلامی باید منطبق بر

قوانین الهی باشد و چه منبعی بهتر از پیامبر و ائمه به عنوان انسان‌های صالح در تدوین این اصول وجود دارد؟ در زیر، برجسته‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از نظری گذرانیم.

۱. اصل نفی سبیل

عنوان نفی سبیل برگرفته از نص آیه قرآن است: «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (نساء/۱۴۱). خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است. مفسران در تفسیر این آیه اقوال مختلفی را ذکر کرده‌اند. بعضی «سبیل» را به مفهوم حجت و دلیل گرفته و آیه را چنین معنا کرده‌اند: خداوند کافران را با حجتی برتر در مقابل مؤمنان قرار نداده است. اما عده‌ای گفته‌اند مقصود از نفی سبیل، نفی سلطه کفار بر مؤمنان در قیامت است. این اصل ریشه در مبنای معرفت‌شناسی دارد.

در این میان، ابن عربی با ضعیف شمردن هر دو احتمال مذکور، می‌گوید سه احتمال در آیه مبارکه وجود دارد: ۱. کافران هرگز توان محو و انهدام دولت مؤمنان و امحای اسلام را ندارند؛ ۲. خداوند زمینه سلطه کافران بر مؤمنان را فراهم نکرده است، این خود مسلمانان هستند که با فاصله گرفتن از تعالیم اسلامی زمینه چنین امری را فراهم می‌کنند؛ ۳. خداوند سبیل شرعی برای کفار بر مؤمنان قرار نداده است (ابن عربی، ۱۴۲۱ق: ۶۴۰). همچنین ابی‌الفضل در تفسیر این آیه می‌نویسد: بیشتر علما به این آیه برای منع و عدم جواز فروش عبد مسلمان به کافر استدلال کرده‌اند؛ زیرا این امر موجب مسلط شدن کافر بر عبد مسلمان و خواری او می‌شود (ابی‌الفضل، ۱۹۹۹: ۱۱۴).

بنابراین، اگر فروش عبد مسلمان به کافر جایز نیست؛ چون موجب استیلای کفر می‌شود، هر چیزی که سبب سلطه کفار بر مؤمنان و مسلمانان شود، ممنوع و غیر قابل تحمل خواهد بود. استدلال به این آیه برای حرمت چنین معاملاتی، زمانی تمام خواهد بود که کلمه «سبیل» را به مفهوم سلطه و سلطنت بگیریم و نه حجت و برهان. بر این اساس، آیه نفی سبیل به عنوان اساس روابط خارجی دولت اسلامی مطرح می‌شود و حتی به قول برخی از پژوهشگران، بر سایر آیات نیز حاکم است. برای نمونه، اگر دولت اسلامی با



غیر مسلمانان عهد و پیمانی را منعقد کند، به حکم صریح قرآن مبنی بر وجوب وقایع به عهد (اوفوا بالعهد: اسراء/ ۳۴)، لازم است که به میثاق و پیمان منعقد شده خود پای بند باشد؛ اما اگر این پیمان موجب استیلا ی سیاسی، نظامی و فرهنگی کفار بر مؤمنان شود، فاقد اعتبار است و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج خواهد شد. بنابراین، روابط خارجی اسلام با غیر مسلمانان می باید به گونه ای تنظیم شود که زمینه های سلطه و برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد. در غیر این صورت، چنین روابطی نامشروع و غیر شرعی خواهد بود (شکوری، ۱۳۶۲: ۳۸۴).

به هر حال، بر اساس اصل نفی سیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). از نظر سیاسی، پذیرفتن تحت الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم گیری های سیاسی مورد تأکید است. از نظر نظامی نیز تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی مدنظر است. همچنین عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع مشورت در حوزه های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی مورد توجه است. بنابراین، قاعده نفی سیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه های وابستگی است (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۳).

از میان فقهای شیعی، بنیان گذار جمهوری اسلامی «حضرت امام خمینی (ره)» ضمن تأکید بر استقلال همه جانبه امت اسلامی، برای نفی سلطه بیگانگان به این قاعده استدلال کرده اند: «قرآن می گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است، هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود، یک تسلطی، یک راهی؛ اصلاً نباید یک راه پیدا کند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سِيلاً». اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین و این قدرت های فاسد... بر مسلمین (امام



خمینی، صحیفه نور، ۱۳۹۰، ج ۳: ۴). علاوه بر آیه فوق، به سایر آیاتی که مؤمنان را از پذیرش و قبول ولایت کافران بر حذر می دارند و به عواقب منفی و زیانبار آن هشدار می دهند نیز استدلال شده است؛ از جمله: سوره نساء/ ۱۳۸، ۱۳۹، انفال/ ۷۳ و مائد/ ۵۵، ۶۵. برخی از مفسران برای نفی سلطه کفار و عدم جواز آن، به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران استدلال کرده اند. در این آیه، خداوند سبحان مؤمنان را از دوستی با بیگانگان نهی می کند: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانته من دونکم: ای اهل ایمان، غیر رابه بطانه نگیرید.» مفسران گفته اند مقصود از بطانه، دوستی و قرابت است. بنابراین، مسلمانان نباید کافران را دوست، همراز و صاحب اسرارشان بدانند. ابن عربی در این خصوص می گوید: «فالقصد بالبطانة اذن المقربون لیدی الشخص فالمسلمون لا یجوز لهم اتخاذ الکافر سواء کان فردا ام جماعة ام دولة، بمنزلة صاحب السر، بحيث یقرب ویعظم ویرجع الیه فی عظام الامور و مهمها ویفرض الیه باسرار المسلمین» (ابن عربی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۷۸۳)؛ چون این امر موجبات سلطه آنان را بر مسلمانان فراهم می سازد. اصل نفی سیل علاوه بر اینکه در مباحث سیاسی و روابط خارجی مورد توجه بوده، در عرصه عملی نیز بانمودها و جلوه های خاصی همراه بوده است. فتوای تاریخی میرزای شیرازی در تحریم تنباکو و فتوای امام خمینی (قدس سره) در مورد قرارداد کاپیتولاسیون، از نمونه های نفی سیل عملی در تاریخ معاصر است. حضرت امام خمینی با اهتمام جدی بر این اصل، هر نوع روابط و قرارداد بین المللی را که منجر به نقض این اصل و نادیده انگاشتن آن شود، بی اعتبار دانسته و انعقاد چنین معاهداتی را تحریم می کند. بنابراین، ایشان فراتر از یک نظریه سیاسی، اصل نفی سیل را امری لازم الاجرا در روابط خارجی فرض می کند و به آن فتوای دهد (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱: ۴۸۵).

نظر آیت الله خامنه ای نیز مبنی بر اخراج امریکا از افغانستان و عراق و همچنین نابودی صهیونیسم در قالب همین اصل فقهی قرار می گیرد که ریشه در مبانی معرفت شناختی اسلامی دارد که کفار به واسطه معرفت غیر توحیدی،



در صورت سلطه زمينه انحرف بشريت را فراهم می کنند. در همین چارچوب، رهبری در دیدار اعضای وزارت خارجه دولت یازدهم تصریح کردند: «سیاست های آمریکایی ها در منطقه بسیار حساس غرب آسیا، علت اصلی اوضاع نابسامان منطقه است. برخلاف نظر برخی افراد، آمریکا بخش عمده مشکلات منطقه است، نه برعکس. - از راه حل مشکلات» (<https://farsi.khamenei.ir>).

همچنین رهبری در مسئله فلسطین همواره بر نفی سلطه اسرائیل تأکید کرده اند. ایشان در دیدار سفرای کشورهای اسلامی در بهمن ۱۴۰۱ منطق جمهوری اسلامی در مسائل منطقه را دنیا پسند و محکم می دانند و در تشریح راه حل های ایران برای این مسائل تصریح می کنند: «در مسئله فلسطین، ما ضمن نفی رژیم غاصب و جعلی و محکومیت شدید فجایع و جنایات روزانه این رژیم، برگزاری انتخابات با حضور همه فلسطینی ها را پیشنهاد کرده ایم که با موازین جاری دنیا نیز کاملاً منطبق است... هر دولتی از دل آرای ملت فلسطین بیرون بیاید، تکلیف صهیونیست ها و ساکنان سرزمین های اشغالی را مشخص خواهد کرد. البته در مخالفت با پیشنهاد منطقی ما گفته اند این به معنای فروپاشی رژیم غاصب است که طبیعی است این رژیم جعلی باید دچار فروپاشی شود» (<https://farsi.khamenei.ir>).

۲. اصل عزت اسلامی

اصل عزت در روابط خارجی دولت اسلامی بیانگر علو و برتری تعالیم اسلامی و بالتبع، برتری جوامع اسلامی است. این اصل نیز ریشه در هستی شناسی اسلامی دارد که میان عالم آسمانی و زمینی و به تبع آن، میان دارالاسلام و دارالکفر تفکیک قائل است. طبیعی است که آسمان نباید تحت سلطه زمین باشد. آیات دال بر عزت مؤمنان و مسلمانان و همچنین حدیث مشهور اعتلا (الاسلام یعلو ولا یعلی علیه) (بخنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱: ۱۹۰) از مستندات فقهی این اصل محسوب می شود. اصل عزت اسلامی در روابط خارجی ناظر به جامعیت، کمال و مقبولیت دین اسلام است. خداوند این دین آسمانی را کامل ترین و برترین

دین دانسته و به صراحت بر مقبول نبودن سایر ادیان تأکید دارد: «ان الدین عند الله الاسلام» و «ولن یقبل غیر الاسلام دینا». بنابراین، دولت اسلامی در روابط خارجی خود نباید به گونه‌ای سیاست‌گذاری و رفتار کند که این اصل مخدوش یا کمرنگ شود. برخی آیات قرآن کریم اتکای مسلمانان به کفران و دولت‌های غیر اسلامی را برای دستیابی به عزت و شوکت دنیوی زشت شمرده و یادآور شده‌اند که «عزت همه از آن خدا و رسول و مؤمنان است». در آیه‌ای دیگر آمده است: «منافقان را به عذاب‌ی دردناک نشارت ده. کسانی که کفران را دوست گرفتند و مؤمنان را رها ساختند، آیا در هم نشینی آنان عزت می‌جویند؟ نادرست اندیشیده‌اند، عزت همه از خداست: بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ایتغون عندهم العزه فان العزه لله جمیعا» (نساء/ ۱۳۸-۱۳۹). برخی از مفسران ضمن تحلیل جهاد با این معیار گفته‌اند جهاد زمانی مشروعیت می‌یابد که برای تحقق عزت دینی و سیادت اسلام باشد. این برداشت احتمالاً ناظر به تحلیلی است که در برخی آیات جهاد بدان اشاره شده است، آنجا که می‌فرماید: «جهاد کنید تا کلمه الله اعتلا یابد و کلمه کفر محو شود» (انفال/ ۳۹). اصل عزت اسلامی و سیادت دینی در سیره و گفتار پیشوایان معصوم نیز مبنای سیاست‌گذاری خارجی است. برای نمونه، امام علی (علیه السلام) ضمن آنکه به حسن معاشرت و رفتار مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان سفارش می‌کند، تأمین عزت دینی و سیادت اسلامی را نیز نادیده نمی‌گیرد: باید در رفتار تان احتیاج و بی‌نیازی را در هم آمیزید و میان حسن معاشرت و نرمی در گفتار با عزت و نزهت دینی پیوند زنید (ری شهری، ۱۳۷۹: ۳۳۷). بدین ترتیب، اصل عزت اسلامی همانند اصل نفی سیل، بر معاهدات و رفتار خارجی دولت‌های اسلامی حاکمیت دارد؛ به گونه‌ای که اگر رفتار سیاست خارجی دولت اسلامی موجب عزت کفار و ذلت جامعه اسلامی شود، غیر مجاز و ممنوع است. در چارچوب همین اصل، رهبری بردیپلماسی عزت‌مندانه در مقابل دیپلماسی ملت‌مسانه در مقابل طرف غربی تأکید دارد که در بخش بعدی به تحلیل آن خواهیم پرداخت.

در همین چارچوب، رهبری در دیدار وزیر امور خارجه و مسئولان نمایندگی های ایران در خارج از کشور در سال ۱۳۹۴، بر اصل عزت ملت های منطقه تأکید داشتند. برای تحلیل این مسئله به بیان چند مستند می پردازیم. رهبری در این دیدار درباره عراق گفتند: تقسیم این کشور به مناطق عرب شیعه، عرب سنی و کرد کاملاً مخالف منافع مردم، عملی نشدنی، بی معنا و غیر قابل قبول است. وحدت سرزمینی، تمامیت ارضی عراق و مرجع بودن آرای مردم، اصول راه حل ایران درباره عراق است. رهبری همچنین درباره یمن گفتند: قطع فوری جنایات سعودی و آغاز گفت و گوهای یمنی-یمنی می تواند پایان بخش درگیری های این کشور باشد... رفتار سعودی ها در یمن و سوریه، یک بام و دو هوا است؛ آنها درباره یمن می گویند به درخواست رئیس جمهور مستعفی و فراری یمن، در این کشور دخالت نظامی کرده اند؛ اما درباره سوریه حاضر نیستند به درخواست رئیس جمهور قانونی این کشور، از حمایت از معارضین مسلح دست بکشند. رهبر انقلاب درباره بحرین نیز افزودند: مردم بحرین هیچ چیزی جز حق رأی و حق انتخاب نمی خواهند و ما این درخواست آنها را منطقی می دانیم (<https://farsi.khamenei.ir>).

حضرت آیت الله خامنه‌ای پس از بیان راه حل های جمهوری اسلامی برای حل مشکلات منطقه افزودند: عامل اصلی این ناامنی ها، حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی، رژیم های مرجع و گروه های تروریستی است که باعث بی عزتی و وابستگی ملت های منطقه شده اند.

۳. اصل وفای به عهد

اصل وفای به عهد و پیمان یکی از دستوره های مؤکد اسلام است که آیات بسیاری به آن توصیه کرده اند. از جمله آیاتی که به وجوب وفای به عهد و التزام و پیمان ها تأکید دارند، عبارت اند از: اسراء/۳۴، البقره/۱۷۷، مؤمنون/۸، معارج/۳۲، مائد/۱۰۱ و آل عمران/۷۶. وفای به عهد در زمره اصول سیاست خارجی دولت اسلامی قرار دارد و دولت اسلامی موظف است بر اساس آن، به کلیه معاهدات و پیمان های سیاسی و نظامی بسته شده با جوامع دیگر به دید احترام بنگردد و التزام و

پای بندی خویش را حفظ کند. برخی آیات قرآن، به طور مطلق به رعایت پیمان‌ها اشاره کرده و برخی دیگر التزام به پیمان را یک تکلیف و مسئولیت می‌دانند. همچنین برخی آیات ضمن تأکید بر وفای به عهد و التزام به پیمان‌ها، پیامدهای زیانبار نقض پیمان را نیز گوشزد می‌کنند.

اصل وجوب وفای به عهد و التزام به پیمان‌ها مورد اتفاق مفسران است و همگان به وجوب وفای به عهد و حرمت خیانت در حق مسلمان و غیر مسلمان اذعان کرده‌اند (محمود مصطفی، ۱۳۶۸: ۱۰۳). از نظر تطبیق این اصل و همچنین حوزه شمول و ابعاد آن، تفاسیر و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. آیا وجوب وفای به عهد تمام عهد‌ها، اعم از پیمان‌های مکتوب و شفاهی را در بر می‌گیرد یا اختصاص به پیمان‌های رسمی و مکتوب دارد؟ عدل‌ای از مفسران با استناد به مطلق بودن «عهد»، پیمان‌های شفاهی و مکتوب را نیز مشمول آن می‌دانند. برخی بالاتر از اطلاق، ادعای عموم لفظ «عهد» را مطرح کرده و آن را شامل کلیه موثقیق و تعهدات می‌دانند و می‌گویند: این حکم از نظر حوزه شمول به معاهدات میان مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه مربوط به تمام افراد و کلیه پیمان‌هایی شود، البته با رعایت حلال و حرام الهی. بنابراین، لفظ عهد، عام و شامل کلیه عقود و پیمانی است که مطابق دیانت در مسائل اقتصادی (بیع)، اجتماعی و سیاسی منعقد شده است (قرطبی، ۱۳۰۵: ۱۶۹).

از مجموع آیاتی که به وجوب وفای به عهد اشاره دارند، چند نکته برداشته می‌شود:

۱. اصل بقای معاهدات و اعتبار آن تا زمان انقضای مدت؛ ۲. جایز نبودن خدعه و غدر با طرف مقابل و وجوب وفای به عهد تا زمان انقضای مدت؛ ۳. وقتی قرارداد بسته شد، از نظر قرآن تحت هیچ شرایطی نباید آن را شکست، مگر آنکه طرف مقابل آن را نقض کند و به غدر و خدعه روی آورد (محمود مصطفی، ۱۳۶۸: ۹۶).

در سیره عملی رهبران معصوم، به خصوص پیامبر اسلام



(صلی الله علیه و آله و سلم) نیز این اصل در چارچوب کلی رفتار خارجی دولت اسلامی با غیر مسلمانان قرار می‌گیرد. احادیث متواتری از رسول اکرم (ص) در این زمینه وجود دارد که حضرت مسلمانان را از لزوم پای بندی به پیمان‌ها و حرمت نقض پیمان آگاه می‌سازد (طبری، ۱۳۶۷: ۶۱). سیره عملی حضرت نیز به خوبی این مطلب را تأکید می‌کند که برجسته‌ترین آن، التزام و پای بندی حضرت به مفاد صلح حدیبیه است که پیامبر (ص) با ناخشنودی افراد تازه مسلمانانی را که از شکنجه و آزار قریش به سوی مدینه هجرت کرده بودند، بازمی‌گرداند (ابن هشام، ۱۹۷۸: ۲۰۴).

در مسئله برجام نیز ایران تحت راهنمایی‌ها و پافشاری‌های رهبری، به این اصل به طور کامل پای بند بود و تا زمانی که طرف غربی نقض عهد نکرد، ایران به تعهدات خودش وفادار ماند. در این خصوص هم باید هایی وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲. اصل مصلحت

بر خلاف دولت‌های ملی که هدف رادرسایست خارجی دستیابی به «منافع ملی» می‌دانند، دولت اسلامی «مصلح ملی» را ملاک و جهت یاب سیاست خارجی می‌داند. با توجه به تعریف مصلحت، مصلح ملی بر آیندی از منافع ملی و مسئولیت‌های فراملی است. لزوم پای بندی به بسیاری از اصول، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی با مدنظر قرار دادن این اصل شکل می‌گیرد. امام محمد غزالی مصلحت را جلب منفعت و دفع ضرر در مقاصد شریعت یعنی دین، جان، مال، عقل و نسل مسلمین می‌داند (غزالی، ۱۳۲۴: ۲۸۶ تا ۲۸۷). در فقه اهل سنت، مصلحت از نظر اهمیت به سه دسته تقسیم می‌شود: ضروریات (دین، جان، مال، نسل و عقل)، حاجیات (مرتبه‌ای از مصلحت است که بدون آن، امور پنجگانه بالا پابرجاست، ولی با سختی و تنگی همراهی می‌شود) و محسینیات (مواردی که تحصیل آن، مناسب مکارم اخلاق و محاسن آداب و عادات است) (البواطی، ۱۴۱۲: ۱۱۰ به بعد).

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نقش مصلحت در امور سیاسی و اجتماعی

نشان می‌دهد که سیاست و دولت اسلامی تا چه حد و ایسته به واقعیت‌های عینی جامعه بوده و تا چه اندازه در برابر محولات انعطاف پذیر است. ایشان درباره فروش سلاح به دشمنان، معیار صحت را مصلحت و تشخیص این مصلحت را از شئون دولت اسلامی می‌داند: فروش سلاح به دشمنان اسلام از امور سیاسی تابع مصلح روز است؛ زیرا گاهی ممکن است مصلح مسلمین مقتضی فروش سلاح به گروهی از کفار و حتی دادن سلاح مجانی به آنان باشد؛ همچون زمانی که دشمن قدرتمندی به سرزمین اسلام وارد شود و بیرون راندن او جز با مصلح کردن گروهی از کفار برای اینکه مسلمانان از خطر آنان در امان باشند ممکن نباشد. در این صورت، واجب است که برای دفاع از اسلام، به کفار مذکور اسلحه داده شود و بر رهبر مسلمین الزام است که با هر وسیله ممکن، این گروه از مشرکان را که به دفاع از سرزمین و حوزه اسلام پرداخته‌اند، یاری رساند... نتیجه اینکه فروش سلاح به دشمنان اسلام از شئون حکومت بوده و دارای حد و مرز ثابتی نیست؛ بلکه تابع مصلحت روز و مقتضیات زمان است (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۵۲).

البته اصل مصلحت در سیاست خارجی محدود به این موارد نمی‌شود. در اینجا مراد از مصلحت، ترجیح برخی از اصول بر برخی دیگر، انتخاب روش‌های اجرایی و تعیین اهداف و اولویت بندی در سیاست خارجی است. یکی از مهم‌ترین مبانی مقام معظم رهبری، به عنوان ولی فقیه جامعه اسلامی، درس عزت طلبی و در نظر داشتن قدرت دولت اسلامی در سیاست خارجی است. این اصل به این معناست که در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی به گونه‌ای باید مصلحت سنجی شود که عزت دولت اسلامی و دین اسلام خدشه دار نشود و آن تصمیم منتهی به ذلت مسلمین نشود (تقوی، ۱۳۷۷: ۵۸۹). به طور کلی، از دیدگاه رهبری «مصلحت مبنای سیاست خارجی دولت اسلامی» تلقی می‌شود و سایر اصول بر اساس این اصل، باز تعریف می‌شوند. اگر نخواهیم در چارچوب روش گفتمان به تحلیل این مسئله بپردازیم، اصل مصلحت دال مرکزی گفتمان

سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی شناخته می‌شود و اگر بخواهیم در چارچوب روش پارادایمی به این اصل نگاه کنیم، ریشه در مبنای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دارد. بر مبنای اصل مصلحت ممکن است اصل وفای به عهد در مواردی نقض شود یا در تعارض میان اصل وفای به عهد و اصل عزت اسلامی، مصلحت معین می‌کند که کدام مورد باید اولویت قرار گیرد.

در همین چارچوب، رهبر انقلاب درباره سوریه نیز تأکید کردند: «حرف ما در این زمینه، مستحکم‌ترین حرف‌هاست؛ ما معتقدیم معنی ندارد کشورهای دیگر دور هم جمع شوند و راجع به یک نظام حکومتی و رئیس آن حکومت تصمیم بگیرند. این بدعتی خطرناک است که هیچ حکومتی در جهان اجرای آن را درباره خود نمی‌پذیرد... راه حل مسئله سوریه، انتخابات است و برای این کار باید با قطع کمک‌های نظامی و مالی به معارضین، جنگ و ناآرامی پایان پذیرد تا مردم سوریه در محیطی امن و آرام هر گس را می‌خواهند انتخاب کنند... مرجع قرار دادن یکی از گروه‌های مسلح برای تصمیم‌گیری و تشکیل دولت، منطقی و مورد قبول نیست و این گونه فرمول‌ها عملاً باعث ادامه یافتن جنگ می‌شود» (<https://farsi.khamenei.ir>).

در ادامه، برای تحلیل بهتر پارادایم سیاست خارجی دولت اسلامی، به مقایسه آن با پارادایم غربی می‌پردازیم.

تفاوت پارادایم سیاست الهی و سیاست دنیوی

سیاست خارجی دنیوی	سیاست خارجی الهی	مؤلفه
عقل	وحی	منبع قوانین
هدف	وسیله	جایگاه دنیای مادی
ملت (مؤلفه‌های مادی بر ساخته)	امت (عقیده)	منبع هویت

سیاست خارجی	مصالح ملی	منافع ملی
اولویت هنجاری	عدالت	آزادی

بایدهای سیاست خارجی در دوره کنونی از منظر مقام معظم رهبری

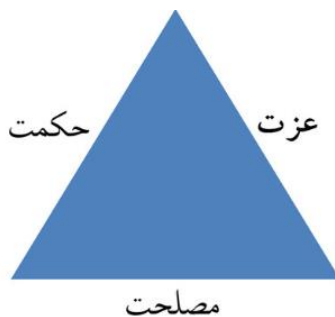
بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری عالی ترین مقام تصمیم گیری های کلان حوزه سیاست خارجی است. با توجه به اینکه سیاست گذاری های کشور در حوزه داخلی و خارجی باید منطبق با اصول و ارزش های اسلامی باشد، آرا و اندیشه های آیت الله خامنه ای در حوزه سیاست خارجی تعیین کننده رویکرد دستگاه دیپلماسی خارجی خواهد بود (واعظی دهنوی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). از این حیث، فهم نظریه سیاست خارجی ایشان برای درک بایدهای سیاست خارجی ایران در دوره کنونی حائز اهمیت است. اصول راهنمای سیاست خارجی از دیدگاه آیت الله خامنه ای عبارت اند از: طرد کامل استعمار، جلوگیری از نفوذ اجانب، تعهد برادرانه به همه مسلمانان جهان، حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد به قدرت های سلطه گر، حفظ استقلال همه جانبه، عدم دخالت در امور داخلی ملت ها، روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیر محارب، حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران در سراسر جهان (خامنه ای، ۱۳۹۴/۸/۱۰).^۱

از نظر ایشان، سیاست خارجی به عنوان ابزار قدرتمند نظام سیاسی، به مثابه پیکاری است که همه سیاستمداران دنیا به آن مشغول هستند. بخشی از این پیکار به دیپلماسی اختصاص دارد. در میدان دیپلماسی نباید به دشمن اعتماد کرد. مهم ترین اصول سیاست خارجی عبارت اند از: عزت، حکمت و مصلحت. این اصول که در متن بیانیه گام دوم به عنوان اصول بنیادین تکرار شده اند، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ثابت هستند.

۱. همه مطالب این بخش از مقام معظم رهبری برگرفته از سایت «خامنه ای دات آی آر» است. در ادامه، برای راحتی و اختصار در منبع دهی، لینک صفحه مورد نظر به عنوان منبع ذکر می شود.



آیت‌الله خامنه‌ای در آخرین دیدار خود با مسئولان وزارت امور خارجه در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، بایدهای سیاست خارجی دولت سیزدهم را در سه اصل عزت، حکمت و مصلحت تبیین کردند که در ادامه، به تحلیل آن خواهیم پرداخت.



اصول سه‌گانه سیاست خارجی از منظر مقام معظم رهبری^۱

۱. نفی دیپلماسی التماسی در چارچوب اصل عزت: رهبر انقلاب در توصیه خود به دستگاہ دیپلماسی در چارچوب اصل عزت، دیپلمات‌ها را از رویکرد التماسی و مقلدانه نسبت به حاکمان کشورهای دیگر بازداشتند. ایشان در این چارچوب تصریح می‌کنند: «در سیاست خارجی وقتی می‌گوییم عزت، یعنی نفی دیپلماسی التماسی. مادر طول این سال‌ها داشتیم مواردی را که دیپلماسی ما، تعبیر درست در قبالتش، همین تعبیر «التماسی» است: «دیپلماسی التماسی». ممکن است الحنمان هم التماس آمیز نبوده، اما باطن قضیه التماس بوده است. عزت یعنی نفی این جور دیپلماسی، نفی چشم‌دوختن به دست و زبان این و آن. این شخصیت پخته سیاسی قدیمی فلان کشور این جوری گفت، این جوری قضاوت کرد، آن یکی این جوری گفت، این جوری اقدام می‌کنند. عزت یعنی ما چشممان و نگاهمان به این چیزها نباشد، تکیه‌مان به اصول خودمان باشد» (<https://farsi.khamenei.ir>). در اینجا مقام معظم رهبری به دستگاہ دیپلماسی توصیه صریح می‌کنند که در چارچوب اصل عزت، که ریشه در مبانی هستی‌شناختی اسلامی دارد، نباید

برای کسب منافع ملی نگاه و فکر غربی داشت و تعریف یا تجید دیگری از خود یا موافقت قدرت‌ها را نشان موفقیت خود داشت؛ کما اینکه در دولت‌های قبلی برخی مسئولان در آرزوی دیدار با مسئول یک کشور غربی بودند و گرفتن عکس یادگاری با مقام کشور غربی را نشانی از موفقیت خودشان می‌دانستند. از منظر رهبری، این نشان از ضعف و فقدان عزت است و دیپلمات‌های کنونی باید هدفشان کسب عزت از طریق دیپلماسی مقتدرانه باشد.

باید «دیپلماسی عزتمندانه» که در چارچوب اصل عزت و بر مبنای هستی‌شناختی اسلامی است، در مقابل اصل غرور سیاسی در اندیشه سیاسی غرب قرار گیرد. رهبری به صراحت این موضوع را در بیان‌اتشان در ۱۴ خرداد ۱۳۹۱ تصریح کردند: «ما باید در قبال غرور ملی غربی‌ها که یک مقوله مادی‌گرایانه است، مسئله عزت ملی را مطرح کنیم... در حقیقت، چون به هر حال، ما رسولان انقلاب هستیم، به عنوان مسلمانان و مؤمنین ضرورت دارد که در جامعه جهانی عزت خود را حفظ کنیم. متأسفانه مسلمانان در قرون گذشته، به علت نوعی از خودبیگانگی و نوعی مرعوبیت در مقابل غرب ذلیل شدند و این جزء وظایف ماست که هرگز ذلیل و خوار نشویم. مادر سیاست خارجی مان باید بر اساس عزت عمل کنیم. یعنی هرگز در مقابل دشمنان و کفار ذلیل نباشیم؛ حتی اگر به قیمت از دست دادن جان خودمان تمام شود... همان‌گونه که غرب، بانام غرور ملی از ارزش‌های خود دفاع می‌کند» (<https://farsi.khamenei.ir>).

در این فقره، رهبری به درستی اصل عزت اسلامی را که امری متعالی و ریشه در نگاه الهیاتی دارد، در مقابل مجت‌غرور ملی که در نگاه ناسیونالیستی و دنیوی ریشه دارد، قرار می‌دهد و از این طریق به مسلمانان یادآوری می‌کند که غرب با تمسک به امور دنیوی و مادی چنان غروری برای خود فراهم کرد، چرا ما با تمسک به اصول الهیات عزت را فراهم نکنیم؟

رهبر انقلاب در همین راستا، بار مذاکره با آمریکا درباره مسائل منطقه‌ای خاطر نشان کردند: آمریکایی‌ها دنبال تحمیل منافع خود



هستند، نه جل مسائل. آنها می خواهند ۶۰ تا ۷۰ درصد خواسته‌هایشان را در مذاکره تحمیل کنند و بقیه اهدافشان را هم به طور غیر قانونی، عملاً اجرا و تحمیل کنند. پس مذاکره ملت‌مسانه چه معنایی دارد؟
(<https://farsi.khamenei.ir>)

۲. انتخاب تاکتیک‌ها بر اساس مبانی علمی در چارچوب اصل حکمت: باید دیگری که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند، «داشتن مبانی فکری در تعاملات» است؛ یعنی چه در دوستی، چه در دشمنی و چه در رقابت باید آداب داشته باشیم و هر سخن و تاکتیک ما بر فکر استوار باشد. ایشان در این خصوص می فرمایند: «حکمت یعنی در همه تعامل‌های دو جانبه و چند جانبه خردمندانه عمل کنیم، اندیشیدن عمل کنیم، محاسبه شده عمل کنیم؛ از اظهار نظرهای دفاعی و حساب‌نشدن پرهیز کنیم. حکمت یعنی هر کاری که می‌کنیم، پشتوانه فکری و عقلانی داشته باشد؛ اندیشیدن باشد، محاسبه شده باشد»

(<https://farsi.khamenei.ir>).

این «باید» کار را برای وزارت خارجه روشن می‌کند که یک بازوی فکری قوی داشته باشد تا بتواند تاکتیک‌هایی را متناسب با راهبردهای نظام در موضوعات مختلف ابداع کند و پشت هر تاکتیک، فکر حکیمانه‌ای باشد. حکمت هم به معنای تدبیر، خردمندی و عقلانیت است. یک فرد حکیم و اندیشمند بایک فرد جاهل متفاوت است. حکم در هر مقوله اجتماعی و سیاسی که می‌خواهد تصمیم‌گیری کند، تدبیر و خردش را به کار می‌گیرد. در واقع، این در مقابل رفتار مزورانه و دروغ‌مدارانه توصیه شده در اندیشه سیاسی غرب است؛ یعنی بر اساس همان چیزی که در سیاست ماکیاوولی مطرح می‌شود. در غرب مدرن می‌گویند سیاست یعنی دروغ، حقه‌بازی و کلک. این همان چیزی است که ماکیاوول در قرن پانزدهم مطرح کرد. مقام معظم رهبری در اینجا مفهوم حکمت را با تعریف خاص خودش به کار می‌برند؛ یعنی سیاست نه به معنی دروغ، نه کلک و نه فریب، که به معنی «تدبیر و خردمندی» است. بر این اساس، وقتی ایشان می‌فرمایند سلاح هسته‌ای خلاف شرع است و ماهرگز طبق تعالیم اسلامی به طرفش نمی‌رویم،

هدفشان فریب دادن دشمن نیست، بلکه بر اساس معیارهای اسلامی صادقانه اذعان می‌کنند که دنبال این مسئله نیستیم. بنابراین، در اینجا هم حکمت با همین معنی تعریف شده است.

۲. انعطاف‌پذیری در چارچوب اصل مصلحت: باید دیگری که رهبری به دستگاه دیپلماسی دولت سیزدهم توصیه کردند، «انعطاف‌پذیری در راستای حفظ مصالح ملی» است. در واقع، نباید به دوسرطیف‌پذیرش یارد افراطی غرب برویم؛ بلکه با توجه به اصل ثابت مصالح ملی که جمع منافع ملی و مصلحت جهان اسلام است، باید در جاهایی انعطاف به خرج بدهیم. انعطاف به معنای کوتاه آمدن در مسائل حساس اسلامی نیست. مصلحت هم یک امر روشن است. در واقع، در هر تصمیم‌گیری مصلحت اسلام و مسلمین راه‌چه باشد، در نظری‌گیری و براساس آن، عمل می‌کنیم. به عبارت دیگر، با توجه به اولویت‌ها، مصالح و منافع جهان اسلام تصمیم می‌گیریم و این، هدف ماست. هدف ما تصمیم‌گیری و تدبیر آن چیزی است که بر اساس مصالح اسلامی به آن عمل می‌کنیم.

رهبری در این خصوص در جدیدترین دیدار خود با مسئولان دستگاه دیپلماسی فرمودند: «مصلحت یعنی شناختن موارد انعطاف. یک جاهایی باید انعطاف داشت. انعطاف منافات با اصول ندارد. حفظ اصول با امکان انعطاف، با هم می‌سازند. می‌توان جاهایی انعطاف به خرج داد. بنده چند سال قبل، گفتم: «نرمش قهرمانانه؛ اما بدفهمیده شد، بعضی‌ها در خارج بدفهمیدند و یک محاسبه دیگر کردند و در داخل هم بعضی از خودی‌ها معنای این را بدفهمیدند. انعطاف یک جاهایی لازم است، بایستی انجام بگیرد. همان معنایی که مادر تقیه معنا کردیم (در بحث امامت، مفصل راجع به تقیه صحبت کرده‌ام). تقیه یعنی وقتی شما در یک جایی دارید حرکت می‌کنید، به یک صخره‌ای می‌رسید که از آن عبور نمی‌توانید کنید، یک راهی پیدا کنید از کنار صخره عبور کنید. انعطاف یعنی این. معنایش این نیست که ما از ادامه راه پرهیز کردیم و عقب‌نشینی کردیم، نه. به جنگ صخره نرفتیم، انعطاف پیدا کردیم، توانستیم راه دیگری را پیدا کنیم».

(<https://farsi.khamenei.ir>)



در اینجا اصل مصلحت را در قالب يك مثال عینی توضیح می‌دهیم. می‌گویند که دولت سوریه يك دولت سکولار است و شما که ادعای کنید اسلامی هستید و برای اسلام عمل می‌کنید و مخالف سکولاریسم هستید، چرا با يك دولت سکولار همراهی می‌کنید؟ مادر جواب می‌گوییم وقتی همه مستکبرین جهان بسیج شده‌اند که زنجیره مقاومت را در منطقه نابود کنند، طبیعتاً در تقابل با این هجمه، مصلحت اسلام ایجاب می‌کند که از سوریه در شرایط فعلی دفاع کنیم و در عین حال، بکوشیم آنها هم جهت اسلامی پیدا کنند. صرف اینکه طرف مقابلش يك گروه افراطی است که به نام اسلام انواع جنایات را انجام می‌دهد و در خدمت مستکبرین است، حتی اگر بالله اکبر هم قیام کند، ما نباید فریب این مسئله را بخوریم و احساسی برخورد کنیم.

۲. توجه به نیروی انسانی کارآمد در راستای اصل حکمت: مسئله «کیفیت و کمیت نیروی انسانی در وزارت امور خارجه و جذب عناصر کارآمد و قابل اعتماد» باید دیگری بود که رهبر انقلاب برای دولت سیزدهم مطرح کردند: «وزارت امور خارجه باید نیروهایی جذب کند که عمیقاً و از بن دندان به مبانی فکری و سیاسی انقلاب و جمهوری اسلامی باور داشته باشند و با انگیزه کافی و اراده‌ای قوی و محرک و فعالیت در مقابل طوفان‌های فکری و تبلیغاتی بیگانگان بایستند و خم نشوند» (https://farsi.khamenei.ir).

مقام معظم رهبری مراقبت از انگیزه، ایمان و اراده نیروها را وظیفه مهم دستگاه وزارت امور خارجه می‌دانند و نمایندگان ایران در خارج از کشور را نماینده مردم و نوع رفتار آنها را نشان‌دهنده هویت و ماهیت ملت ایران می‌دانند. ایشان در همین راستا تصریح کردند: «دیپلمات ایرانی باید نماد ایمان، عشق به ایران عزیز، غیرت، عزم و اراده و محرک و پرکاری باشد و گفتار و رفتارشان برای ملت ایران هم احترام برانگیز باشد» (https://farsi.khamenei.ir). این «باید» برای دستگاه دیپلماسی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا بالاخره سفرانمایندگفتان حاکم بر جامعه ما هستند و تفکرات آنها بر روی نوع نگاه سایر کشورها نسبت به ایران اثرگذار است.

۵. تغییر نگاه به کشورهای همسایه و اسلامی در چارچوب اصل وحدت اسلامی: حضرت آیت الله خامنه‌ای در بخش دیگری از ابیادهای خود نسبت به دستگاه سیاست خارجی دولت سیزدهم، با اشاره به مرزهای طولانی ایران با کشورهای متعدد و بعضاً مهم و اثرگذار، تأکید بر افزایش ارتباط با دولت‌های همسایه و اسلامی داشت. در این خصوص تصریح کردند: «دست‌های بیگانه برای ایجاد مشکل بین ایران و همسایگان آن فعال است که نباید اجازه بدهید این سیاست آنها محقق شود» (https://farsi.khamenei.ir).

ایشان سیاست ارتباط با کشورهای اسلامی و لودر دور دست و همچنین ارتباط با کشورهای هم‌جهت و همراه را مهم بر شمرده و افزودند: «امروز همراهی و هم‌جهتی برخی کشورهای بزرگ و مهم دنیا با جمهوری اسلامی ایران در برخی جریان‌ها و خطوط اساسی سیاست بین‌المللی پدید آمده بی‌سابقه است که باید با قدر دانستن این فرصت، ارتباطات با آن کشورها را تقویت کنیم» (https://farsi.khamenei.ir).

۶. نقش‌آفرینی در نظم جدید جهانی در چارچوب اصل عزت: مقام معظم رهبری با توجه به تغییراتی که در آینده جهان در حال رخ دادن است و نظم آمریکایی که در حال فروپاشی است، باید دیگری را برای وزارت خارجه تعیین کردند. رهبر انقلاب با اشاره به موضوع اجلاس سفرادر سال ۱۴۰۲ مبنی بر تحول در نظم کنونی جهان و پُر تکرار شدن این موضوع در ادبیات جهانی فرمودند: «تحول در نظم جهانی یک فرآیند پرفراز و نشیب و بلندمدت و متأثر از حوادث احتمالی پیش‌بینی‌نشده است و کشورهای مختلف نظرات و رویکردهای متعارض و گوناگونی به آن دارند و لازمه‌ی جانمایی مناسب ایران در نظم جدید، رصد و ارزیابی تحولات جهانی و شناخت دقیق سمت و سو و پشت‌پرده حوادث است... لذا وزارت خارجه بر اساس این رصد و ارزیابی باید پیشنهادهای عملی استخراج کند. در این زمینه، سفر اوروسای نمایندگی‌ها، به خصوص در کشورهای اثرگذار نقش مهمی دارند» (https://farsi.khamenei.ir).

۷. تقویت دیپلماسی اقتصادی در چارچوب اصل حکمت: مسئله مهم دیگری که رهبری بر آن تأکید داشتند و دولت سیزدهم نیز آن را باید به جد پیگیری کند،



بحث «دیپلماسی اقتصادی» است که اصلی مهم در سیاست بین الملل به شمار می رود و رمز قدرت یابی کشورهاست. رهبر انقلاب در این زمینه می فرماید: «در باب سیاست خارجی ... باید محرک مادر عرصه دیپلماسی افزایش پیدا کند و مضاعف بشود. بایستی در دیپلماسی، جنبه اقتصادی تقویت بشود؛ دیپلماسی اقتصادی یک چیز بسیار مهمی است. امروز انسان مشاهده می کند که خیلی از کشورها و زیر خارجه هم دارند، اما خود رئیس جمهور در زمینه مسئله اقتصادی با کشورهای مختلف یا با فلان کشور خاص، به خصوص وارد می شود و [مسئله را] دنبال می کند؛ یعنی ارتباط با کشورهای مختلف در زمینه اقتصادی خیلی مهم است. این جنبه اقتصادی دیپلماسی را بایستی تقویت کرد. تجارت خارجی خیلی مهم است، به طور ویژه با همسایگان. ما چهارده، پانزده همسایه داریم که یک جمعیت عظیمی را تشکیل می دهند، بازار وسیعی را به وجود می آورند؛ لکن به اینها منحصر نباید بود و [ارتباط با] سایر کشورها هم همین جور است؛ حدود دو بیست و خرده ای کشور در دنیا هست؛ ما بنان داریم با تعداد خیلی معدودی، بایکی دو کشور، ارتباط داشته باشیم. با بعضی ها هم امکانش شاید نیست؛ اما با اکثر اینها امکان ارتباطات خوب و روان وجود دارد. تلاش، لازم است (https://farsi.khamenei.ir).

۸. دیپلماسی چند جانبه در چارچوب اصل مصلحت: دکتر برن سیاست خارجی دولت سیزدهم بر اساس توصیه های رهبری باید مبتنی بر سیاست خارجی متوازن، دیپلماسی یویا و تعامل هوشمند باشد. تعامل، یعنی تعامل با همه بخش های جهان، نه فقط چند کشور غربی. در همین چارچوب، رهبری می فرماید: «دیپلماسی راحت تأثیر مسئله هسته ای نباید قرارداد؛ یعنی این جور نباشد که دیپلماسی کشور متصل به قضیه هسته ای باشد؛ ... دایره دیپلماسی خیلی وسیع تر است. در قضیه هسته ای، آمریکایی ها انصافاً وقاحت را از حد گذرانده اند؛ جلوی چشم همه از برجام خارج شدند، حالا جوری حرف می زنند انگاری که ایران از برجام خارج شده، و جوری طلبکاری می کنند که انگار ما تعهدات را به هم زده ایم؛ کشورهای اروپایی، همراه با آمریکا هم همین جور؛ آنها هم از لحاظ عهد شکنی و بد اخلاقی کمتر از آمریکا نیستند»

(<https://farsi.khamenei.ir>).

تمرکز تمام دستگاه سیاست خارجی بر مذاکره صرف با آمریکا. کاری که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم صورت گرفت. به شدت مورد رد، طرد و نقد رهبری است. ایشان توصیه اکید دارند که در دیپلماسی، توجه به سایر قدرت‌ها و موضوعات، راه حل برون رفت از مشکلات است.

نتیجه‌گیری: درس‌های سیاست خارجی برای دولت سیزدهم از منظر رهبری

سیاست خارجی ایران مانند همه کشورهای جهان بر منافع بلندمدت و اصول و ارزش‌ها استوار است و بارفت و آمد دولت‌ها با سلايق سیاسی گوناگون، تغییر نمی‌کند. دولت‌ها فقط در تاکتیک‌ها و ابتکارات اجرایی راهبردهای سیاست خارجی تأثیرگذار و دخیل‌اند. اصول سیاست خارجی ایران در قانون اساسی تعیین شده‌اند و رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام در ایران باید‌هایی را با توجه به اقتضات زمان، برای دستگاه سیاست خارجی تعیین می‌کنند.

در آغاز دولت سیزدهم نیز ایشان تصریح کردند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ساخته این و آن نیست، بلکه مبتنی بر اصول مستحکم قانون اساسی است. در قانون اساسی، اسلام معیار سیاست خارجی است. بنابراین، موضع‌گیری در مقابل کشورهای و مسائل مختلف، باید مختصات دینی داشته باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای همواره با اشاره به اصول سیاست خارجی مصرح در قانون اساسی، به دولت‌ها از جمله دولت سیزدهم توصیه کرده‌اند که به دنبال تعهدات برادرانه به همه مسلمانان جهان، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب در همه زمینه‌ها، حفظ استقلال همه‌جانبه، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد به قدرت‌های سلطه‌گر، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمخرب، خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌ها و حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در مقابل مستکبران در هر نقطه از جهان باشند.



البته اجرای این سیاست‌ها صرفاً به واسطه مبانی فقهی نبوده و آثار مثبت هم داشته است. «افزایش اقتدار و تأثیرگذاری در مسائل منطقه‌ای و جهانی، ارتقای جایگاه کشور نسبت به گذشته و افزایش عزت و اعتبار ایرانیان در میان ملت‌ها» از پیامدهای مثبت این راهبردها بوده است. رهبر معظم انقلاب همواره بر سه اصل در سیاست خارجی تأکید دارند و این سه اصل را به دولت سیزدهم توصیه کرده‌اند: «عزت» به معنای نفی و پرهیز از دیپلماسی التماسی؛ «حکمت» به مفهوم تعاملات و فعالیت‌های خردمندانه و محاسبه‌شده و «مصلحت» به معنای انعطاف برای دور زدن موانع سخت و ادامه دادن مسیر.

رهبری در آخرین توصیه خود در اردیبهشت ۱۴۰۲، مسئولان دیپلماسی کشور را به رصد دائم محولات تدریجی و حوادث تأثیرگذار در نظم بین‌الملل برای به دست آوردن جایگاه شایسته ایران عزیز در نظم آینده جهان فراخواندند.

رهبری همچنین تأکید دارند که تاکتیک‌های سیاست خارجی باید در خدمت مبانی راهبردی باشد، نه اینکه به اسم تاکتیک، بر ضد اصول عمل شود. این بحث درسی برای دولت سیزدهم است که باید همه تاکتیک‌ها در مناطق مختلف در راستای اصول و راهبردها باشد، نه اینکه به اسم تأکید، اصل را فراموش کنیم. برای مثال، در دولت قبلی به اسم راهبرد مذاکره، اصل حمایت ایران از ملت‌های مستضعف را می‌خواستند زیر پا بگذارند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، شش ضابطه سیاست خارجی خوب و دست‌گام دیپلماسی را مطرح کردند که در درون این شش ضابطه، درس‌هایی وجود دارد:

۱. «توانایی تدبیر اقناع‌کننده منطق رویکردهای کشور در مسائل مختلف»؛
۲. «حضور اثرگذار و جهت‌بخش در پدیده‌ها، حوادث و جریان‌های مختلف سیاسی-اقتصادی جهان»؛
۳. «رفع و کاهش سیاست‌ها و تصمیمات تهدیدآمیز علیه ایران»؛
۴. «تضعیف کانون‌های خطر آفرین»؛
۵. «تقویت دولت‌ها و مجموعه‌های متحد و همراه با ایران و توسعه عمق



راهبردی کشور؛
 ۶. «قدرت تشخیص لایه‌های پنهان در تصمیمات و اقدامات منطقه‌ای
 و جهانی» (<https://farsi.khamenei.ir>).

این شش ضابطه برگرفته از سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است. دستگاه سیاست خارجی دولت سیزدهم بانصب العین قرار دادن این شش ضابطه می‌تواند به سمت یک دستگاه کارآمد حرکت کند. دستگاه سیاست خارجی باید یک بازوی علمی و رسانه‌ای برای اقناع‌کنندگی داشته باشد تا ضابطه اول را محقق کند، چرایی حضور ایران در منطقه، چرایی مبارزه با رژیم صهیونیستی و چرایی دوستی با کشورهای شرق، نیاز به پشتوانه اقناع‌کنندگی دارد تا با مخالفت‌ها و سنگ اندازی‌ها مواجه نشوند.

همچنین دستگاه سیاست خارجی باید پویایی لازم را برای واکنش به موقع همراه با عقلانیت در حوادث مختلف جهان که از عمق و سرعت بسیاری برخوردارند داشته باشد. مسئله «جنگ اوکراین، جنگ داخلی سودان، اختلافات آذربایجان و ارمنستان و آینده سوریه و گروه‌های مقاومت» مباحثی هستند که نیاز به مواجهه عقلانی دارند.

تهدیدات و بحران‌ها نیز از مباحث مهمی است که وزارت خارجه باید با الهام از اصول سیاست خارجی، برای کاهش و رفع آنها اقدام کند. برای مثال، تهدیدات «گروه‌های تکفیری، رژیم صهیونیستی، گروه‌های تروریستی و در رأس آنها آمریکا» باید ضمن حفظ اصل عزت، رفع شود.

کانون‌های خطر آفرین که بارزترین آن رژیم صهیونیستی و تفکرات سلفی و تکفیری و وابستگان غربی آنهاست نیز باید با ارائه تاکتیک‌هایی تضعیف و در نهایت، حذف شوند. یک دستگاه سیاست خارجی کارآمد، باید موارد زیر را در اولویت تاکتیک‌ها و برنامه‌های خود قرار دهد:

- تقویت شبکه مقاومت و گسترش آن به نیروهای فرادولتی و فرمانطقه‌ای، به خصوص در آمریکای لاتین که ملقب به حیات

خلوت امریکاست، و همچنین همراه کردن افکار عمومی منطقه و مردمان قاره سیاه؛

گسترش اتاق‌های فکر برای فهم بهتر مناسبات و ریشه‌های قدرت در جهان و منطقه و ارتباط‌گیری صحیح با لایه‌های قدرت که منجر به اثرگذاری بیشتر و بهتر در مناسبات قدرت می‌شود (دولت سیزدهم باید توجه کند که در عصر جدید قدرت، صرفاً دولت‌ها منبع قدرت نیستند و نیروهای فرو، فرا و غیر دولتی نیز نقش مهمی در قدرت جهانی ایفا می‌کنند. لذا به جای تمرکز بر دولت‌ها باید بانیروهای غیر دولتی نیز ارتباط برقرار کرد و از سیاست تک‌ساحتی برجای خارج شد)؛

- ایجاب توازن در سیاست خارجی و اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی؛

- تمرکز بر توسعه صادرات غیر نفتی و ظرفیت منحصر به فرد ترانزیتی در کشور؛

- نگاه ویژه به آسیا با اولویت همسایگان و کشورهای اسلامی؛

- حمایت از محور مقاومت؛

- کنش‌گری فعال با مشارکت در ائتلاف‌های سودمند منطقه‌ای همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا، شانگهای و بریکس؛

- پیشبرد هم‌زمان راهبرد «بی‌اثر کردن محرم‌ها» و مذاکره برای «رفع محرم‌ها».



منابع و مأخذ

- ابن عربی (۱۴۲۱)، احکام القرآن، ج ۱، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن هشام (۱۹۷۸)، السیره النبویه، ج ۳، القاہرہ: مکتبہ الکلیات الذہبی.
- ابی الفداء، حافظ عمادالدین (۱۹۹۹)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقہیہ، ترجمہ درایتی، ج ۱، قم: نشر ہادی.
- البواطی، رمضان (۱۹۹۵)، جہاد فی الاسلام کیف نفہمہ وکیف نمارسہ، دمشق: دارالفکر.
- تقوی، سیدمحمدناصر (۱۳۷۴)، «مصلحت بہ عنوان پارادایم حکومت اسلامی»، امام خمینی و حکومت اسلامی، ج ۷، تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رہ).
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تہران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰)، صحیفہ نور، ج ۳، تہران: مرکز نشر آثار امام خمینی (رہ).
- خیری، حسن (۱۳۸۹)، «مقایسہ پارادایم دینی (اسلامی) با پارادایم‌های اثباتی، تفسیری و انتقادی»، معرفت فرهنگی-اجتماعی، ش ۲، بہار.
- دہشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی در مجموعہ آثار امام خمینی و حکومت اسلامی، ج ۶، تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رہ).
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷)، فقہ سیاسی، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۹۴)، تفسیر طبری، ج ۱۵، ترجمہ محمددہقانی، تہران: نشرنی.
- الغزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۸)، المستصفی فی علم الصول، قم: دارالذخایر.
- قرطبی، عبداللہ محمد (۱۹۶۴)، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۰، قاہرہ: دارالکتب مصریہ.
- قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۰)، فلسفہ سیاسی: مناقشہ‌های نظری در عصر جهانی شدن، تہران: نشر رشد آموزش.
- محمدی‌ری‌شہری، محمد (۱۳۷۹)، موسوعہ الامام علی (علیہ السلام)، ج ۴، قم: دارالحدیث.
- میراحمدی وقہرمان (۱۳۹۳)، «امکان سنجی تحلیل پارادایمی در فلسفہ سیاسی فارابی»، سیاست نظری، ش ۱۰.
- نادیہ محمود، مصطفی (۱۹۹۴)، المدخل المنہاجیہ فی العلاقات الدولیة فی الاسلام، ج ۶،

لبنان: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

- واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ (۱۱)، صص ۱۶۹ تا ۱۴۱.

سایت

- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰/۶/۶)، بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم: <https://farsi.khamenei.ir>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲/۲/۲)، دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با رهبر انقلاب:

<https://farsi.khamenei.ir>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲/۲/۳۰): دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران جمهوری اسلامی ایران با رهبر انقلاب: <https://farsi.khamenei.ir>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲/۳/۲۴)، دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه با رهبر انقلاب.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۳/۱۴)، بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله): <https://farsi.khamenei.ir>

- Furlong and Marsh (۲۰۰۲), A Skin Not a Sweater: Ontology and Epistemology in Political Science. In: Marsh, David and Stoker, Gerry eds. Theory and Methods in Political Science, Palgrave Macmillan.